

کلمات هم معنی

فریبا: زیبا	حریص: طمع کار	دل انگیز: خوب و زیبا
گسترده: پهن کرد	طمع: حرص، زیاد دزدی	رونق: رواج دادن
پرورد: پرورش داد	زاد: به دنیا آورد	صبور: جبر صابر.....
زادگاه: محل تولد	خلیج: پیشرفتگی بیابان و سیح آب در خشکی	برازنده: مناسب
بود: هست، می باشد	حفظ: نگهبانی، نگهداری	می ربایند: می دزدند

سرزمین زرخیز: بزرگترین دایره برای خاک نهراسیم: نترسیم
اصل فرد و نهادن با ارزش
کلمات مخالف

زیبا ≠ زشت	نهراسیم ≠ می ترسیم	پاک ≠ ناپاک
صبور ≠ عجول	بسیار ≠ اندک	خواب ≠ بیدار

کلمات هم خانواده

دل انگیز، دل خواه، دل پذیر	می ربایند، ربایش، ربودن	زاد، زادگاه، زاییدن
باقی، بقا، بقیه	حفظ، حافظ، حفاظ	حریص، حرص، حریصانه
عاشق، عشق، معشوق	مقدس، تقدس، قدیس	نهراسیم، هراس، هراسناک
دانش، دانشمند، دانش آموز	صبور، صبر، صابر	خطر، مخاطره، خطرناک
طمع، طماع، طماعانه	خدمت، خادم، خدمه	

(۱) بسیار زیبا

(۲) بغل

(۳) مخالف عجلول

(۴) وطن

(۵) دریایی در شمال کشور

(۶) شاعر و ریاضیدان ایرانی

(۷) تمدن

(۸) رواج

(۹) از پزشکان ایرانی

(۱۰) می‌دزدند

۱
ف
ر
ی
ب
ا

۲
آ
غ
و
ش

۴
ک
ش
و
ر

۳
ص
ب
و
ر

۵
خ
ز
ر
خ
ی
م
ا

۶

۷

ف
ر
ه
ن
ک

۸

ر
و
ن
ق

۹

ب
و
ع
ل
ی

۱۰

س
ی
ن
ا

۱۱

م
ر
ب
ا
ی

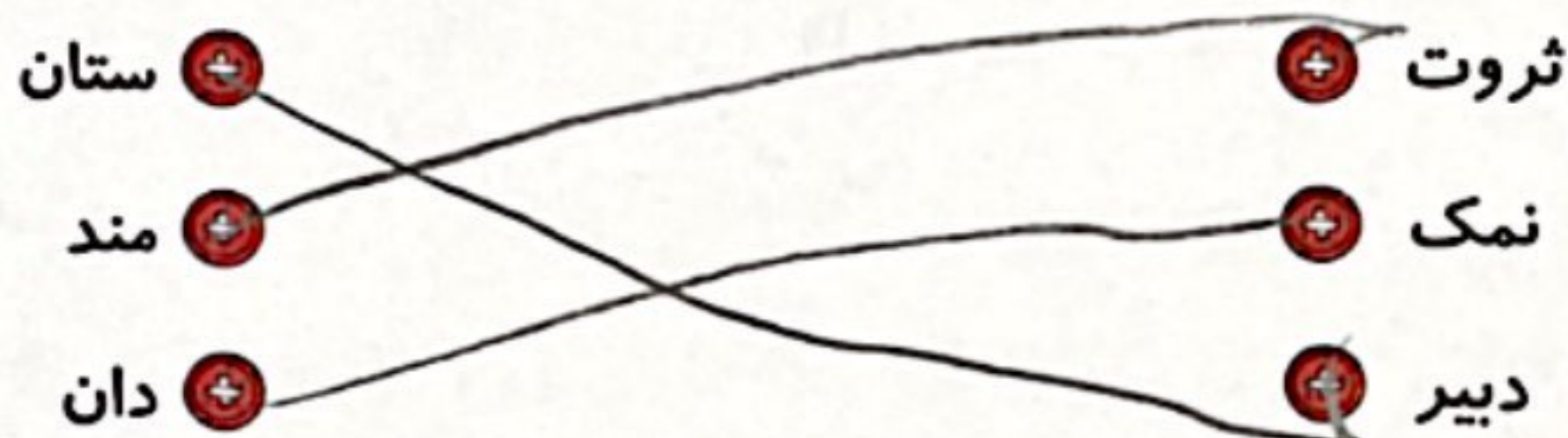
ن
د

۱۲



تمرین

۱ وصل کن.



۲ درستی ☒ یا نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کن و سپس جملات نادرست را به صورت درست بنویس.

الف: شمعدان جای شمع است. ☒

ب: شعر متنی احساسی است که آهنگ ندارد. ☒

پ: برای حفظ ایران بایستی از دشمن بترسیم. ☒

ت: نام دریای جنوب ایران، خلیج فارس، است. ☒

ث: مردم ایران، صبور هستند. ☒

۳ جاهای خالی را با استفاده از جعبه‌ی کلمات کامل کن. (یک کلمه اضافه است)

حفظ - حریص - برازنده - زرخیز - نعمت

الف: ایران ما زرخیز و زیبا است.

ب: انسان‌های حریص همیشه به دنبال تصاحب اموال دیگران هستند.

پ: ما برای حفظ میهن خود حاضر به فداکاری هستیم.

ت: دانش‌آموزان لباس‌هایی زیبا و برازنده پوشیده بودند.

۴ مخالف هر کلمه را بنویس.

خوب

حریص

بد

قانع

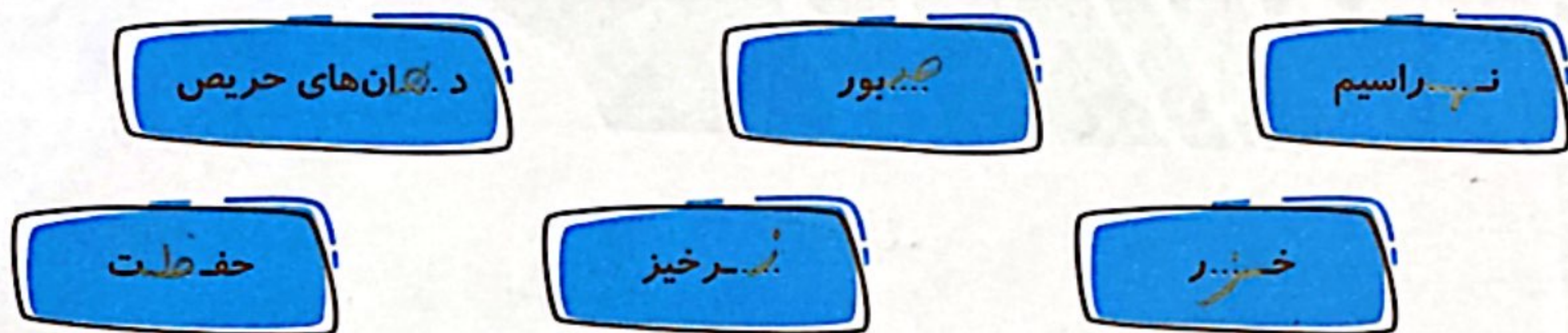
عجول

زشت

صبور

زیبا

با توجه به درس و استفاده از نشانه‌های مناسب، کلمات را کامل کن.



جاهای خالی را پر کن.

هست. نهراسیم، بهر دهان‌های حریص
تویی دریای خزر
یا که در آب خلیج
که بود نام دل انگیزش فابریس...

از دو سو بر دریا
راه خود باز کنی
سر به دریا زده ای
پا به دریا کردی
توی دریاهاست

این بیت را توضیح بده.

«از دو سو بر دریا راه خود باز کنی»

از شمال و جنوب به دریا راه داری مثل اینکیم را در عرض آب کرده ای. آب کردی

کلمه‌های نامرتب را مرتب کن و شعر را با خط زیبا بنویس.

الف: آغوش - مردم - داده‌ای - جای - این - در - خود - خوب،

داده‌ای جای در آغوش خود این مردم خوب.

ب: ماست - آنچه - برای - مال - ایرانی - ما - هاست - یک - یک - داریم - و - خود،

آن چه داریم و برای خود ما است مال ما یک یک ایرانی هاست.

پنج کلمه مثال بزن که از ترکیب با «دان» درست شده باشد و با هر یک جمله بساز.

نمکدان

پدرم نمکدان را روی میز گذاشت.

گلدان

مادرم به گلدان آب می‌دهد.

شمعدان

من در شمع‌دان خانه‌ی مادر بزرگم شمع گذاشتم.

قدان

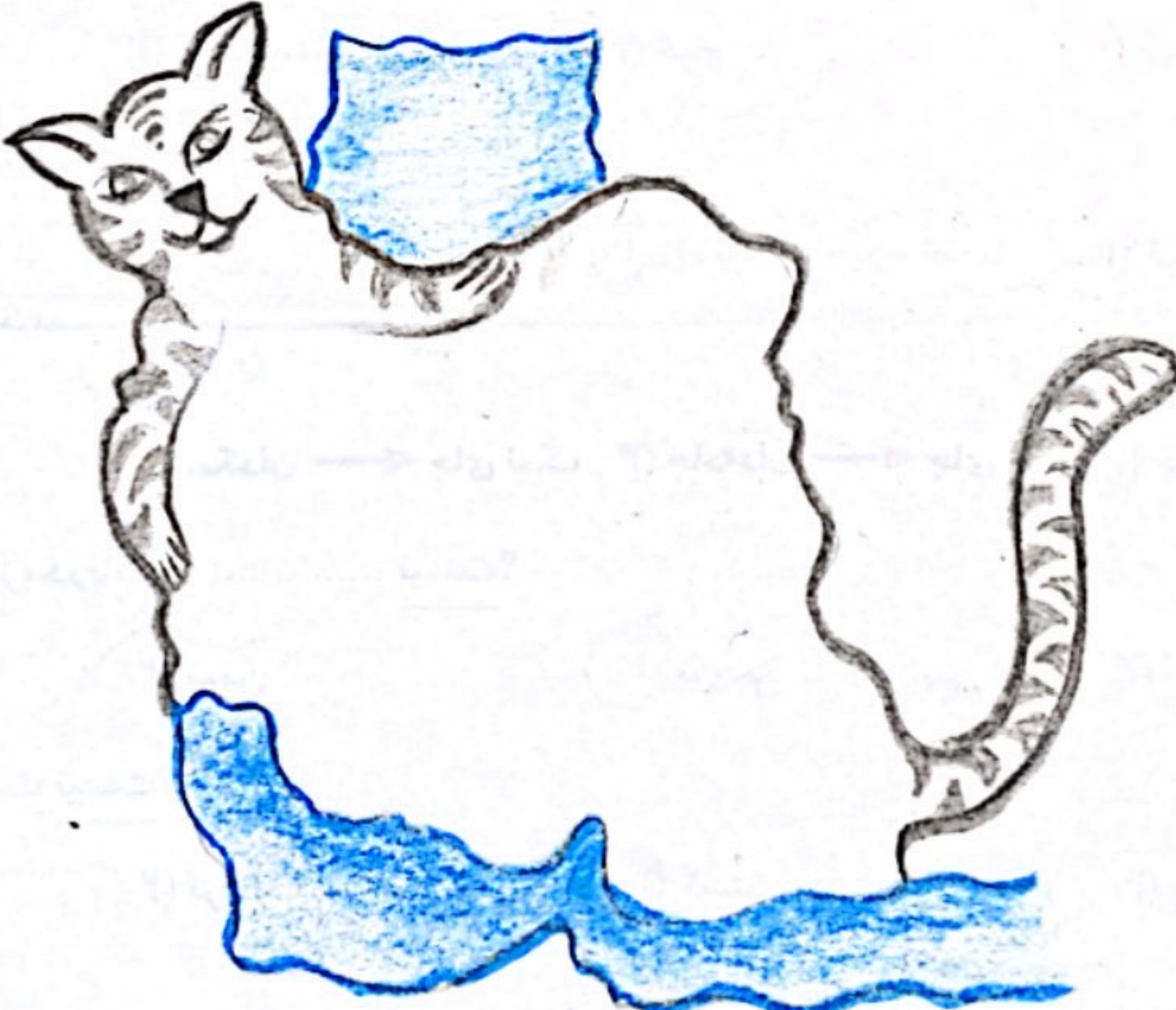
قدان خانه‌ی ما زیبا است.

موسیقیدان

استاد من یک موسیقیدان بزرگ است.

۱۱ دو پیشنهاد برای بهتر شدن وطنمان بگو.

- الف: اهمیت به نخبگان برای توسعه ایران برای جلوگیری از فرار مغزها
ب: احترام و ارزش بیش از پیش به فرهنگ و سنت‌ها و مراقبت از صنایع و میراث فرهنگی
۱۲ چشم‌هایت را ببند و کشورمان را به یک شکل تصور کن. حالا تصور خودت را در کادر زیر نقاشی کن.



یک موضوع انتخاب کن و آن را به موضوعات کوچک تر تقسیم کن، سپس یک بند زیبا درباره ی یکی از آن ها بنویس.
موضوع اصلی:

فصل ها.....

موضوعات کوچک تر:

۱- انواع فصل ها ۲- ماه های فصل ها ۳- آب و هوای فصل

فصل تابستان →

تابستان دومین فصل از چهار فصل زیبای خداست، که بعد از بهار با گرمی و طراوتش از راه می رسد و خورشید تمام روز در آسمان می درخشد. در تابستان باغ ها پر از گل میوه های مختلف و تازه رسیده می شوند و با آمدن تابستان مدرسه ها تعطیل می شوند و بهترین زمان برای استراحت و سفر است. ماه های تابستان تیر، مرداد، شهریور است. من نیز در میانه ی روز از تیر ماه به دنیا آمدم.

وجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

شاعر شعر «ایران عزیز» است.

مدتی بهار

(۲) عطار نیشابوری

(۳) خیام

(۴) عباس یمنی شریف

ملای کدام گروه از واژه ها درست است؟

ظ - فریبا - نهرا سیم

(۲) حریس - طمع - مولوی

(۳) زادگاه - زرخیز - حفظت

(۴) خطر - زور - آشق

دام نادرست است؟

ن ← جای قند

(۲) نمکدان ← جای نمک

(۳) جامه دان ← جای جامه

(۴) خندان ← جای خنده

ن شعر «ایران عزیز» درباره ی نیست؟

(۲) میهن

(۳) پرچم

(۴) ایران

ی کدام واژه درست نیست؟

زیبا

(۲) برازنده: مناسب

(۳) گسترد: دقت کرد

(۴) پرورش داد: پرورد

یک موضوع انتخاب کن و آن را به موضوعات کوچک تر تقسیم کن، سپس یک بند زیبا درباره ی یکی از آن ها بنویس.

موضوع اصلی:

فصل ها

موضوعات کوچک تر:

۱- انواع فصل ها ۲- ماه های فصل ها ۳- آب و هوای فصل

فصل تابستان

تابستان دومین فصل از چهار فصل زیبای خدایست، که بعد از بهار با گرمی و طراوتش از راه می رسد و خورشید تمام روز در آسمان می درخشد. در تابستان باغ ها پر از عطر میوه های مختلف و تازه رسیده می شوند و با آمدن تابستان مدرسه ها تعطیل می شوند و بهترین زمان برای استراحت و سفر است. ماه های تابستان تیر، مرداد و شهریور است. من نیز در میانه ی دومین روز از تیر ماه به دنیا آمدم.

۱ با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: شاعر شعر «ایران عزیز» است.

۱) محمد تقی بهار ۲) عطار نیشابوری ۳) خیام ۴) عباس یمینی شریف

ب: املای کدام گروه از واژه ها درست است؟

۱) حافظ - فریبا - نهراسیم ۲) حریس - طمع - مولوی ۳) زادگاه - زرخیز - حفظت ۴) خطر - زور - آشق

پ: کدام نادرست است؟

۱) قندان ← جای قند ۲) نمکدان ← جای نمک ۳) جامه دان ← جای جامه ۴) خندان ← جای خنده

ت: متن شعر «ایران عزیز، درباره ی نیست؟

۱) وطن ۲) میهن ۳) پرچم ۴) ایران

ث: معنی کدام واژه درست نیست؟

۱) فریبا: زیبا ۲) برازنده: مناسب ۳) گسترد: دقت کرد ۴) پرورش داد: پرورد

روزی از دیاری پادشاهی می گذشت. در شهر هر که به پادشاه می رسید، سر فرو می گذاشت و تعظیم می کرد. در میان شهر به درویشی رسیدند که سر از تعظیم باز زد.

پادشاه به او گفت: «چرا تعظیم نکردی؟»

درویش گفت: «چرا تعظیم کنم؟»

پادشاه گفت: «بندگان در مقابل اربابان سرفرو می آورند.»

درویش گفت: «پس تو باید به من تعظیم کنی.»

پادشاه گفت: «چرا؟»

درویش گفت: «تو بنده ی زر، هستی و زر بنده ی من، تو بنده ی جاه هستی و جاه، بنده ی من، تو

بنده ی نان هستی و نان، بنده ی من، پس تو بنده ی بندگان من هستی و باید به من سر فرود آوری.»



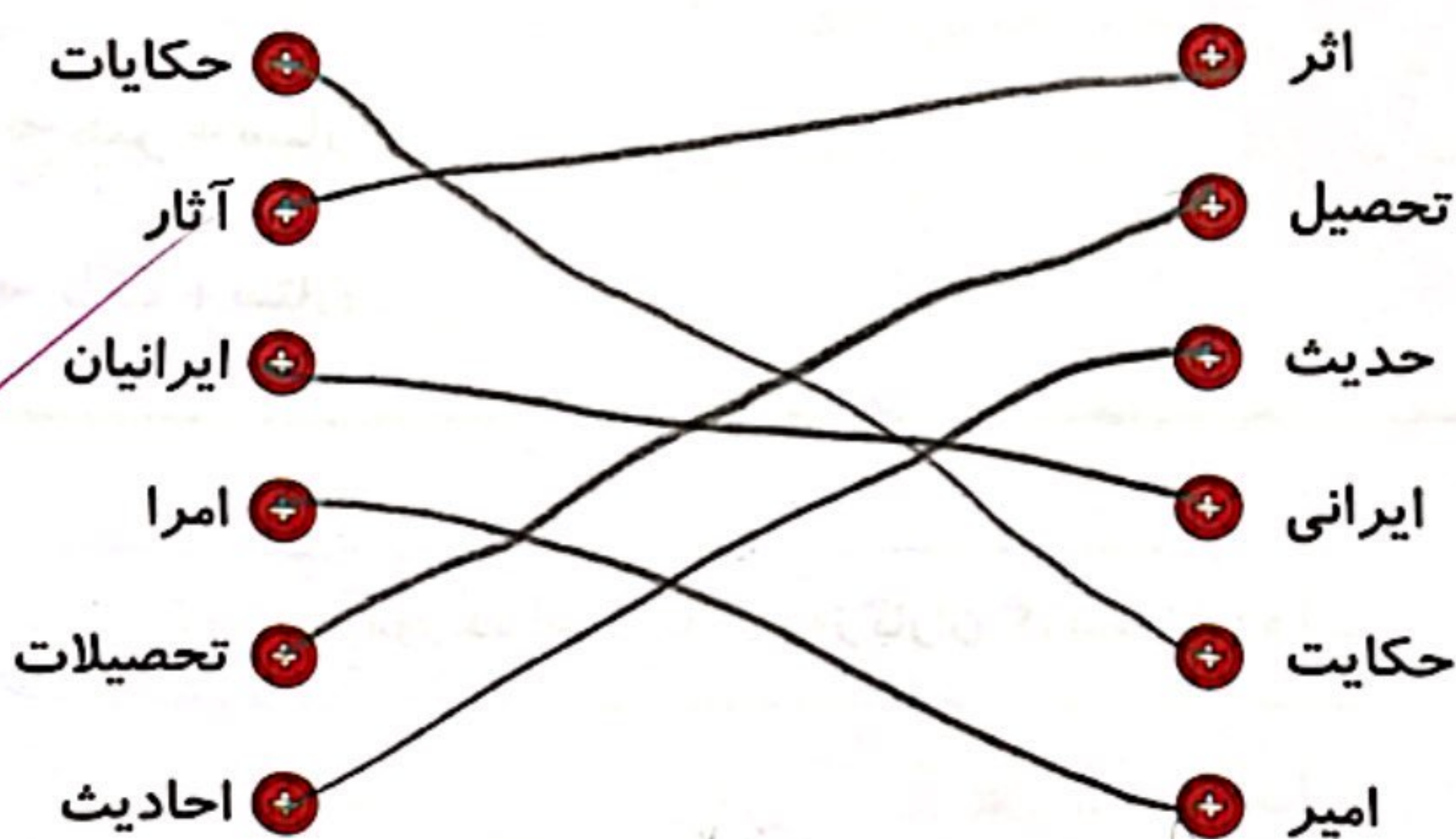
فرزندم متن داده شده را به دقت بخوان. سپس از شخص دیگری بخواه که از متن زیر یا متن درس، املائی به شما بگوید فقط به یاد داشته باش هر جمله و کلمه فقط یکبار گفته شود.

امرای عرب بر ساط حاتم طایی گرد آمده بودند و خودش به حاجتی به صحرا رفت که خارکنی را دید پشته فراهم نهاده. گفت: «به مهبانی حاتم چرا نروی که خلقی بر ساط او گرد آمده‌اند؟ پاسخ داد: «هر که نان از عمل خویش خورد منت حاتم طایی نبرد» حاتم طایی او را به همت و جوانمردی از خودش برتر دید. با چنین داستان‌های جالب و آموزنده‌ای که در کتاب گلستان سعدی نوشته شده است، آثار او جهانی شد و سفرهای مختلف او به شهرهای روم، سوریه، بغداد، لبنان و ... به او کمک کرد تا بتواند حکایاتی به این زیبایی بنویسد و افتخار فرهنگی و ادبی ما ایرانیان باشد تا مردم از سراسر دنیا به آرامگاه این نویسنده و شاعر بزرگ سفر کنند.

تمرین



۱ هر کلمه را به جمع آن وصل کن.



۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: سعدی اهل اهواز بود. ☒

ب: آرامگاه یعنی محل آرامش. ☒

پ: ما ایرانیان به آثار فرهنگی و ادبی سعدی افتخار می‌کنیم. ☒

ت: خارکن حاصل دسترنج دیگران را استفاده می‌کرد. ☒

۳ با استفاده از کلمات داده شده، جاهای خالی را کامل کن.

قرآن - امرای عرب - حاجتی - احادیث - خویش - بوستان

الف: هر که نان از عمل جبریتش... خورد / منت حاتم طایی نبرد.

ب: سعدی با قرآن... و احادیث... نیز آشنایی کامل داشت.

پ: چهل شتر قربانی کرده بودم... امرای عرب... را و خود به گوشه‌ی صحرای حاجتی... بیرون رفتم.

۴ کامل کن.



۵ در هر جای خالی کلمه‌ای بنویس که نشانه‌ی اول آن 'م' و پنج حرفی باشد. کلمات را از کتاب درسیات پیدا کن.

مهمان

مأمور

محنای

م	ه	م	ا	ن
م	ا	م	و	ر
م	ع	ن	ا	ی

۶ شش کلمه بنویس که در آن‌ها 'ستان' به کار رفته باشد.

بیمارستان

باغستان

کوهستان

نخلستان

شهرستان

گورستان

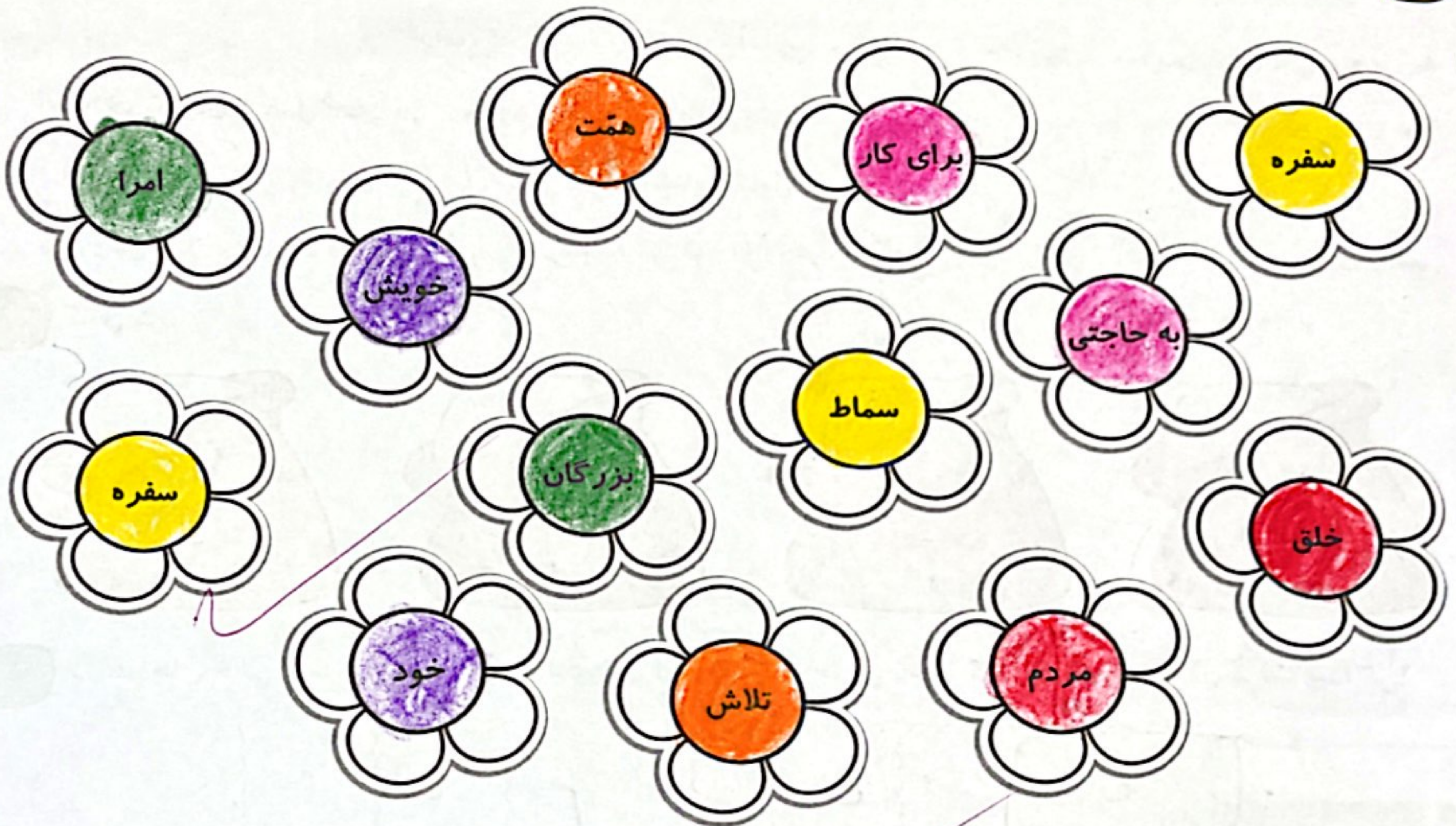


۷ در متن زیر 'آن' به چه کسی یا چه چیزی اشاره می‌کند؟

مرد زاهدی که در کوهستان زندگی می‌کرد، کنار چشمه‌ای نشست تا آبی بنوشد و رفع خستگی کند. سنگ زیبایی درون چشمه دید. آن را برداشت و در خورجینش گذاشت و به راهش ادامه داد.

کلمه‌ی 'آن' در متن بالا به سنگ زیبا اشاره می‌کند.

۸ هر کلمه را با هم معنی خودش یک رنگ کن.



۹ از حکایت درس چه آموختی؟

راز داری و امانت داری.

۱۰ دهر که نان از عمل خویشت خورد / منت حاتم طایی نبرد، دارای چه مفهومی است؟

هر کس از زحمات و تلاش کار خودش زندگی اش را بگذراند تا نیاز به منت دیگری نرود حتی اگر حاتم طایی باشد.

۱۱ پاسخ هر سؤال را از ابر کلمات پیدا کن و بنویس.

الف: نام دو کتاب سعدی چیست؟ بوستان و گلستان

ب: آرامگاه سعدی در کجاست؟ شیراز

پ: سعدی برای تحصیلات ابتدا به کجا سفر کرد؟ بغداد

ت: سعدی پس از چند سال سفر به شهرش بازگشت؟ ۳۵ سال



۱۲ با خواندن داستان خواب خلیفه، به چه نتیجه‌ای رسیدی؟

حرف یا پند و نصیحت با زبان خوش بیان کنیم.

خلاصه داستان زیر در هم ریخته است، جملات آن را شماره گذاری کن تا داستان معلوم شود.

۱۳

۳ دومی آرزو کرد: «مثل جغد باهوش و مثل طاووس زیبا باشد».

۱۴ ناگهان سایه‌ی جغدی را دیدند و هر دو فرار کردند و داخل لانه رفتند.

۶ آن‌ها بسیار زود به این آرزو رسیده بودند.

۲ اولی آرزو کرد: «مثل بلبل خوش صدا و مثل شیر قوی باشد».

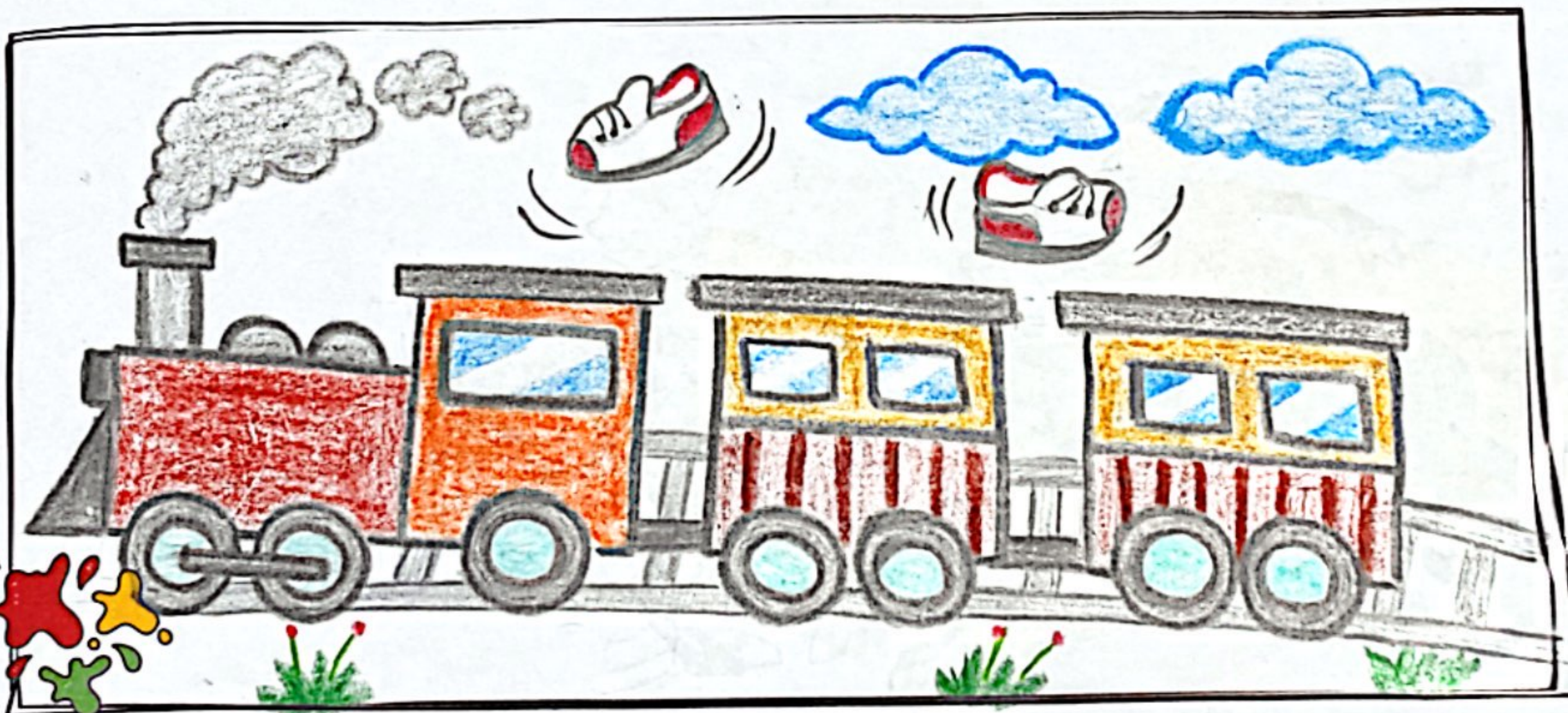
۵ موش‌ها هم زمان گفتند: «آرزو کردم هرگز شکار نشوم».

۱ دو موش ستاره‌ی دنباله‌داری را در آسمان دیدند و تصمیم گرفتند آرزو کنند.

۱۴ از ذهن خلاقیت استفاده کن و حکایتی زیبا و آموزنده از خودت بنویس. حالا نقاشی زیبا برای حکایتت بکش.

یک لنگه کفش

روزی پسری در عین سوار شدن به قطار یک لنگه کفشش در آمد و روی ریل آهن افتاد. او به‌خاطر حرکت قطار نتوانست پیاده شود و آن را بردارد. در همان لحظه پسرک با خون سردی لنگه‌ی دیگری کفشش را از پای درآورد و آن را در مقابل دیدگان چهرت زده اطرافیان طوری به عقب پرتاب کرد که نزدیک لنگه‌ی کفش قبلی افتاد. یکی از مسافرانش علت آن را پرسید. پسرک خندید و در جواب گفت: «مرد بی نیایی که لنگه کفش قبلی را پیدا کند حلال می‌تواند لنگه‌ی دیگری آن را نیز برداشته و از آن استفاده کند».



۱۵ با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام کلمه با بقیه متفاوت است؟

(۱) بانوان (۲) آقایان

ب: مخالف کلمه‌ی «غم» کدام است؟

(۱) شادی (۲) غصه

پ: املای کدام کلمه درست است؟

(۱) تهصیلات (۲) آسار

ت: کلمات کدام گزینه در یک گروه قرار نمی‌گیرند؟

(۱) خارکن - پشته - خار

(۳) بخشنده - حاتم طایی - جوانمرد

ث: نام نویسنده‌ی کتاب «بوستان» در کدام یک از شعرهای زیر آمده است؟

(۱) حافظ! اندر بند زلفش از پریشانی منال.

(۲) اختر چرخ فلک، پروین است.

(۳) سعدیا! مرد نکونام نمیرد هرگز.

(۴) ای سنایی! عاشقی را درد باید، درد کو؟

(۴) ایران

(۳) پسران

(۴) نگرانی

(۳) طراوت

(۴) صوریه

(۳) هراسان

(۲) مهمانی - سماط - غذا

(۴) امرای عرب - بزرگ همت - خارکن





پادشاهی قصد کشتن اسیری کرد. اسیر در آن حالت ناامیدی شاه را دشنام داد.
 شاه به یکی از وزرای خود گفت: «او چه می‌گوید؟»
 وزیر گفت: «به جان شما دعا می‌کند.» شاه اسیر را بخشید.
 وزیر دیگری که در محضر شاه بود و با آن وزیر اول مخالفت داشت گفت: «ای پادشاه آن اسیر
 به شما دشنام داد.»
 پادشاه گفت: تو راست می‌گویی اما دروغ آن وزیر که جان انسانی را نجات می‌دهد بهتر از راست
 توست که باعث مرگ انسانی می‌شود.»
 «جز راست نباید گفت»
 «هر راست نشاید گفت»

«منبع: گلستان سعدی»

الف: چرا پادشاه اسیر را بخشید؟

چون وزیر اول گفت که او به جان شما دعا می‌کند.

ب: کار کدام یک از دو وزیر بهتر بود؟

وزیر اولی زیرا با حرفی که زد باعث نجات اسیر شد.

پ: اگر شما جای وزیران بودید چه می‌کردید؟

حرفی می‌زدیم که باعث نجات جان اسیر شود.

۱۱/۱
منتشرم بزرگ‌نم